



## طبع همتیار و دقت مدار استاد ابوالقاسم قربانی

عبدالحسین مصحفی<sup>۱</sup>

پدید آورد کوب‌های رخشان  
صفتای مقتضای طبع ایشان

چو این گردون سپهر سخت بنیاد  
به هر موجودی از این خاکدان داد

و مقتضای طبع بلند همت استاد ابوالقاسم قربانی این بوده است که او شخصیتی باشد: در فراگیری علم فراتر از همگنان، خوش‌بیان و شمع انجمن دوستان، در نوشتن متن‌های روان و دقیق ریاضی چیره‌دست و توانا، و در پژوهش‌های در زمینه تاریخ ریاضیات پیگیر و خستگی‌ناپذیر؛ در کارهای علمی و در پژوهش‌هایش با برنامه معین پیش برود، نکته‌های گمراه‌کننده را باز شناسد، و رعایت دقت کامل را هیچ‌گاه از یاد نبرد؛ کاری تحقیقی را پیش گیرد که در همه دنیا کسانی که به این کار دل بسته‌اند انگشت شمار باشند؛ در بازیابی رازهای از دیده‌ها پنهان مانده تاریخ ریاضیات پوینده باشد و به برکنار زدن پرده‌ها از این رازها بالنده.

سال‌ها چون فلک به سر گشتن  
تا فلک‌وار دیده‌ور گشتن

بنابر آنچه من به خاطر دارم، در دو مورد و در دو جهت احترام برانگیز، نام استاد قربانی در زمینه‌های ریاضی بر سر زبان‌ها افتاد. مورد نخست زمانی بود که با همکاری یار فرزانه‌اش دکتر حسن صفاری، یک دوره کامل و از هر جهت پر بار کتاب‌های درسی ریاضی را فراهم آوردند. کتاب‌هایی که رقیبان هم تأیید همه جانبه آن‌ها را بیان یک حقیقت می‌دانستند.

۱. دبیر، پژوهشگر و مؤلف ریاضیات و بنیان‌گذار نشریه ریاضی یکان. برای اطلاع از زندگی و آثار مرحوم مصحفی (۱۳۰۳-۱۳۹۱) نگاه کنید به مقاله جعفر ربانی با عنوان «شکوه ریاضت، درنگی بر زندگی و کارنامه استاد عبدالحسین مصحفی» در میراث علمی، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۷۰-۱۷۴. این نوشته که به لطف همسر استاد، سرکار خانم نصرت ملک یزدی در اختیار میراث علمی قرار گرفت، متن سخنرانی ایراد شده در مجلس یادبود مرحوم ابوالقاسم قربانی در دانشگاه تهران (آذر ۱۳۷۹) است.

مورد دوم مرحله‌ای است که سرآغازش را می‌توان ابتدای پنجمین دههٔ عمر پربار استاد دانست، بیش از نیمی از سال‌های زندگی او را دربر می‌گیرد و در آن، همه وقت او صرف تحقیق و تفحص در جهت فراهم آوردن زندگی‌نامه‌های ریاضی‌دانان دورهٔ اسلامی و تدوین و تألیف تاریخ ریاضی مربوط به مقطع‌هایی از این دوره می‌شود.

من در آن مقام نیستم که در این زمینه از کارهای تحقیقی استاد اظهار نظر کنم. در این باره، اهل فن و فضل اظهار نظر کرده‌اند و خواهند کرد، گفتنی‌ها را گفته‌اند و خواهند گفت. اگرچه، آنچه را عیان باشد حاجت به بیان نیست.

حاجت مشاطه نیست روی دلارام را

وصف تو را گر کند ورنکنند اهل فضل



ابوالقاسم قربانی (ایستاده) در کنار محمدتقی بهار

من، مانند هزاران کسان دیگر، از راه کتاب‌های درسی تألیف استاد با نام ایشان آشنا شدم. کتاب‌هایی که به ویژه برای کسانی که ریاضیات دورهٔ دوم متوسطه را از راه خودآموزی می‌آموخته‌اند دستیارهایی ارزنده بوده‌اند. سال‌ها هم این کتاب‌ها را تدریس کرده‌ام. مدت‌ها هم شغل رسمی‌ام سروکار داشتن با کتاب‌های درسی ریاضی بوده است. از این رو، عمدهٔ صحبت‌م در زمینهٔ کتاب‌های درسی ریاضی است و این که مقبولیت بعضی از تألیف‌های درسی و از جمله تألیف‌های درسی صفاری-قربانی معلول چه علت‌هایی بوده است. با کارهای تحقیقی استاد در زمینهٔ تاریخ ریاضیات هم نخستین بار از راه مقاله‌هایی که در مجلهٔ سخن چاپ می‌کردند

آشنا شدم. ملاقات‌هایی هم به ویژه در دوره‌ای که مجلهٔ ریاضی یکان را منتشر می‌کردم، با استاد قربانی داشته‌ام. فرصت باشد خاطره‌هایی از این ملاقات‌ها را هم بازگو خواهم کرد.

در یک دورهٔ دو‌بیست و پنجاه سالهٔ ابتدا از سال‌های میانی فرمانروایی صفویان، کتاب خلاصهٔ الحساب شیخ بهایی تنها کتاب درسی ریاضی در سطح متوسط مدرسه‌های کشور ما بوده است. ده‌ها شرح بر آن نوشته شده که پس از دایر شدن چاپخانه در ایران، تعدادی از آن‌ها چاپ هم شده‌اند. ترجمه‌هایی به فارسی هم از آن فراهم شده که معروفترین آن‌ها به نام کنز الحساب کار فرهاد میرزا والی خوزستان و لرستان و در واقع ویراسته و بازنویسی شدهٔ عبدالوهاب نجم الملک

است. محتوای این کتاب، که در همه آن مدت دویست و پنجاه سال نیاز عمومی جامعه ما از ریاضیات را پاسخگو بوده است، با چند مورد استثنا، از همه آنچه اکنون زیر عنوان حساب و هندسه در دوره دبستان و دو سال نخست دوره راهنمایی می‌آموزیم فراتر نیست. جنگ‌های ایران و روس نیاز جامعه ما را به ریاضیاتی بالاتر و روزآمد آشکار ساخت و در پی آن چند نفری برای تحصیل به خارج اعزام شدند، مدرسه فنی - نظامی دارالفنون بنیان یافت و دیری نگذشت که مدرسه‌های ابتدایی و متوسطه دولتی و ملی یکی پس از دیگری تأسیس شدند.

بنابر نوشته‌ها و روایت‌های تاریخی، ریاضیات روز را در دارالفنون و در بعضی از مدرسه‌هایی که میسیون‌های مذهبی خارجی تأسیس کرده بودند در ابتدا معلمان فرانسه زبان تدریس می‌کردند و کتاب‌های درسی هم برگزیده از کتاب‌های درسی چاپ فرانسه بود. دیری نپایید که از فارغ‌التحصیلان دارالفنون، عده‌ای جای معلمان خارجی را گرفتند و عده‌ای تدریس در مدرسه‌های تازه تأسیس را عهده‌دار شدند. لزوم تهیه کتاب‌های درسی ریاضی به زبان فارسی پیش آمد. در مرحله نخست به انتخاب سرپرست دارالفنون، کسانی به ترجمه کتاب‌های درسی از فرانسه به فارسی مأمور شدند و در دارالفنون چاپخانه‌ای هم برای چاپ این ترجمه‌ها دایر شد. نسخه‌هایی از این کتاب‌ها را در اختیار داریم که تاریخ چاپ آن‌ها ۱۲۷۴ قمری برابر با ۱۲۳۶ خورشیدی است. ترجمه‌ها تحت اللفظی‌اند، فارسی متن روان نیست و اصطلاح‌ها عموماً به زبان فرانسه با املاهای فارسی‌اند. این کتاب‌ها نمی‌توانستند پاسخگوی نیازهای دانش‌آموزان و کمک‌یار معلمان باشند. مهندس الممالک که در فرانسه تحصیل کرده بود یکی دو جلد کتاب درسی ریاضی را برای دارالفنون تألیف کرد و عبدالغفار نجم الدوله، با بهره‌گیری از کتاب‌های ریاضی فرانسه و بر پایه تجربه‌های سال‌ها تدریسش در دارالفنون و در مدرسه‌هایی دیگر، کار تازه تألیف یک دوره کامل کتاب‌های درسی ریاضی را آغاز کرد و برای هر شاخه از ریاضیات و هیئت سه جلد کتاب را برای دوره‌های ابتدایی، متوسطه و فوق متوسطه فراهم آورد. این کتاب‌ها مورد استقبال خوب معلمان و دانش‌آموزان واقع شدند و انگیزه‌ای بودند تا کسانی دیگر هم به تألیف کتاب‌های درسی ریاضی و سایر رشته‌ها روی آوردند. اگرچه به گفته استاد سید جلال‌الدین همایی، کتاب‌های درسی ریاضی که پس از آن تألیف شده‌اند عموماً برگرفته از تألیف‌های نجم‌الدوله بوده‌اند.

از آن تاریخ تا سال ۱۳۱۷ خورشیدی، تألیف و ترجمه و چاپ کتاب‌های درسی آزاد بود. هر کتاب درسی تازه تألیف که به تأیید وزارت معارف می‌رسید اجازه چاپ و پخش را می‌یافت. در همه این سال‌ها، و به طور کلی در هر زمان که تألیف و چاپ کتاب درسی آزاد بوده است، ناشران مشوق‌های خوبی برای مؤلفان این گونه کتاب‌ها بوده‌اند. یک ناشر، اگر در برابر چاپ هر کتاب علمی غیر درسی، برگشت سرمایه به کار انداخته‌اش را تا مدت کمتر از پنج سال انتظار نداشته

باشد، در برابر چاپ هر کتاب درسی با شمارگان به نسبت بالا، تنها پس از چند ماه به سرمایه‌اش و به سود آن دست می‌یابد. از این رو، در کنار کتاب‌های درسی خوب و شایسته، کتاب‌های درسی غیر دقیق و سطحی نیز به گونه‌های متنوع فراهم می‌آمده و چاپ می‌شده‌اند.

در سال ۱۳۱۷، تألیف کتاب‌های درسی در انحصار وزارت فرهنگ درآمد. این وزارت امر آموزش از ابتدایی تا سطح عالی را زیر نظر داشت. نخبگان استادان دانشگاه تهران، که آن موقع تنها دانشگاه ایران بود، به تألیف کتاب‌های درسی دبیرستان مأمور شدند. کتاب‌هایی پر محتوا و در موردهایی بسیار فشرده فراهم آمد که در آن‌ها به جای اصطلاح‌های متداول و مانوس، اصطلاح‌های فارسی ناب و نامأنوس به کار رفته بود. جبهه‌گیری و مقاومت معلمان در برابر این کتاب‌ها به چشم می‌خورد، هر چند شرایط روز امکان ابراز آن را به آنان نمی‌داد. من دو سال آخر سیکل یکم متوسطه را با این کتاب‌ها گذراندم. به یاد دارم که در آن دو سال خیلی از این کتاب‌ها را معلمان نتوانستند به طور کامل بیاموزند. هر تغییر و نوآوری در نظام آموزشی، در برنامه‌ها و در کتاب‌های درسی در درجه اول با مخالفت ضمنی معلمان مواجه می‌شود مگر آن که آنان قبلاً در جریان کار قرار گرفته و با آن به خوبی آشنا شده باشند.

برای مؤلف کتاب درسی، داشتن اطلاعات و معلومات سطح بالا لازم هست اما کافی نیست. او باید از جو حاکم بر محیط کلاس‌ها و از سطح متوسط استعدادها دانش‌آموزان با خبر باشد و مهمتر این که بداند کارآمدی معلمان تا چه حد است. زمان تحصیل خودش را [مربوط] به گذشته بداند و زمان حال را پیش چشم داشته باشد، همه کشور را تهران و همه مدرسه‌ها را چند مدرسه مجهزی که می‌شناسد نداند، و باید و نبایدهای دیگر.

پس از شهریور ۱۳۲۰ تا حدود یک دهه، تحت تأثیر جو سیاسی آشفته‌ای که بر کشور حاکم بود، نظام آموزشی، برنامه‌ها و کتاب‌های درسی هم وضعی کمابیش ناپایدار را داشت؛ چاپ کتاب‌های درسی وزارتی مختل شد، یک دوره تازه رقابت برای تألیف و چاپ و نشر کتاب‌های درسی جدید پا گرفت، گروه‌ها و تشکل‌های فرهنگی به وجود آمدند و کار تألیف گروهی کتاب‌هایی درسی را آغاز کردند. اما کتاب‌های درسی که به بازار آمدند بیشترشان ویرایش‌های جدیدی یا از کتاب‌های وزارتی یا از کتاب‌های رایج پیش از آن بود.

کتاب‌های درسی تألیف صفاری-قربانی در سال‌های پایانی این دهه فراهم آمدند و آنگاه که روانه بازار شدند از آن‌ها چنان استقبال شد که در همه سال‌های نیمه نخست دهه ۳۰، در بیشترین دبیرستان‌های کشور تدریس می‌شدند. مجموعه این کتاب‌ها همه ریاضیات دوره متوسطه را شامل بود. مجموعه‌های دیگری هم از این گونه در دسترس بودند اما گروه مؤلفان آن‌ها با تقسیم کار، هر کدام جدا از دیگران کتاب یا کتاب‌هایی از مجموعه را فراهم آورده بود. در صورتی که سبک به کار رفته در همه کتاب‌های صفاری-

قربانی نمایانگر آن بود که آن دو برای همه کتاب‌های مجموعه همکاری کامل و پیوسته داشته‌اند. خواننده سری کتاب‌ها احساس می‌کرد همواره یک نفر با یک زبان و با یک شیوه عمل با او صحبت می‌کند. متن کتاب‌ها با وجود روانی و وضوح دارای انسجام منطقی بود و این انسجام در هیچ جا از هم نمی‌گسست. مثال‌ها متعدد بودند و هر کدام نکته‌ای را گوشزد می‌کرد. تمرین‌ها از ساده به مشکل به خوبی تنظیم شده بودند و هیچ کدام خارج از فصل نبود و در بین آن‌ها مسئله‌ای وجود نداشت که معلم را سردرگم کند. در هر چند جلد مربوط به هر شاخه از ریاضیات نیز پیوستگی منطقی وجود داشت. در بیان مطلب‌ها نه خلاصه‌گویی به کار رفته بود و نه زیادگویی و چندباره گویی و نه از قلم افتادگی به چشم می‌خورد. تعریف‌ها جامع و مانع بودند و برداشت‌هایی دوگانه یا چندگانه از آن‌ها استنباط نمی‌شد.

گفته می‌شود که این کتاب‌ها برگرفته از یک دوره کتاب درسی کشور فرانسه بوده‌اند. باید گفت که از آغاز تأسیس دارالفنون تا حدود نیمه دوم دهه ۱۳۴۰، برنامه‌ها و کتاب‌های درسی ما عموماً مستقیم یا غیر مستقیم اقتباس از برنامه‌ها و کتاب‌های درسی کشور فرانسه بوده‌اند. در فرانسه تألیف و چاپ کتاب‌های درسی آزاد است و مؤلفان و ناشران در این زمینه با هم رقابت دارند و کتاب‌های درسی متنوع چاپ و پخش می‌شوند. مرحوم قربانی، آن گونه که از ایشان شنیدم، و به احتمال نزدیک به یقین آقای صفاری هم، تحصیلات پیش از دانشگاه را در دبیرستانی فرانسه زبان و وابسته به فرانسه گذرانده بودند، در دوره تحصیل در دانشسرای عالی از دانشجویان نخبه بوده‌اند، و پس از آن هم در دبیرستان‌هایی فرانسه زبان تدریس داشته‌اند. برای آنان امکان دسترسی به انواع کتاب‌های درسی فرانسه به ویژه انتخاب احسن آن‌ها وجود داشته است. اما آنچه را تألیف کردند نمی‌توان پذیرفت که صرفاً ترجمه بوده است. در یک مورد شاهد بودم که آقای قربانی در آنچه از ایشان قرار بود چاپ شود دقت فوق العاده‌ای در حد وسواس را داشت. آنان کتاب‌هایی را مأخذ گرفته‌اند اما آنچه را پدید آورده‌اند بر پایه اطلاعات علمی و بر پایه تجربه سال‌ها تدریسشان و با وقوف بر جایگاه ریاضیات در کشور و بدون تردید با بازنویسی‌های چند باره و مهمتر این که بدون شتابزدگی بوده است و لابد پیش از چاپ هم آن‌ها را آزمایشی تدریس کرده‌اند.

در همین سال‌ها رقابت بین ناشران کتاب‌های درسی هم در حال اوج گرفتن بود، یکی از ناشران مرحوم محمد رضوانی صاحب کلاله خاور، شیوه جدیدی را به کار برد؛ آقای پرویز شهریاری را برای تألیف یک دوره کتاب‌های درسی ریاضی به همکاری فراخواند با این شرط که ایشان حق التألیف نخواهند و خودش هم از هرگونه سود چشم‌پوشی کند، کتاب‌هایی تألیف و چاپ کنند و همه آن‌ها را با بهای ارزان ثابت در دسترس دانش‌آموزان بگذارند. این نیت خیر را از قوه به فعل هم درآوردند اما نتیجه‌ای را که می‌خواستند در پی نداشت؛ در هر کلاس درس، انتخاب کتاب درسی بر عهده معلم است نه به اختیار محصل.

فرایند دیگر مربوط به همان سال‌ها، تألیف یک دوره چهار جلدی کتاب‌های ریاضی سال چهارم متوسطه از طرف آقایان دکتر غلامحسین مصاحب و احمد ارشمید بود که هیچ کدام در زمره دبیران

دبیرستان‌ها نبودند. کتاب‌های تألیف آن‌ها پر محتوا، سرشار از تمرین‌ها و مسئله‌های به نسبت مشکل و مانند همه تألیف‌های دکتر مصاحب، دربر دارنده یادداشت‌ها و نکته‌هایی از تاریخ ریاضیات ایران بود. معلمانی که از وجود این کتاب‌ها اطلاع می‌یافتند آن‌ها را به دست می‌آوردند اما نه برای انتخاب کتاب درسی بلکه برای تقویت بنیه علمی خود و برای خودآموزی ضمن خدمت و گاهی برای سفارش به دانش‌آموزان نخبه در بهره‌گیری از آن‌ها.

در بهار یا اوایل تابستان ۱۳۳۵، تغییر نظام آموزشی و برنامه‌های دوره دوم متوسطه اعلام شد و مؤلفان و ناشران کتاب‌های درسی را غافلگیر کرد. رقابت بین آن‌ها برای تألیف کتاب‌های درسی جدید به اوج خود رسید. ائتلاف‌هایی از گروه‌های مؤلفان شکل گرفت. مجموعه‌هایی از کتاب‌ها با شتاب‌زدگی فراهم آمدند. نه تنها بین کتاب‌های دنبال هم بلکه بین فصل‌های بعضی از کتاب‌ها هم پیوستگی منطقی در کار نبود. در شهریور آن سال برای هر مجموعه از کتاب‌ها بازاریاب‌هایی روانه شهرستان‌ها شدند. دبیران برای انتخاب کتاب سردرگم مانده بودند. از کتاب‌های صفاری-قربانی، تعدادی با برنامه جدید سازگاری داشتند و لازم بود که بقیه آن‌ها بازنویسی شوند. آقای صفاری به ترجمه کتاب‌های در زمینه تاریخ علم و صنعت روی آورده بود و آقای قربانی به پژوهش‌هایش در تاریخ ریاضیات دوره اسلامی دل بسته بود. آنان تألیف شتابزده را هم نمی‌پسندیدند و از کار تألیف کتاب‌های درسی کنار کشیدند.

خاطره‌ای دارم و بازگو کردن آن را بی‌مورد نمی‌دانم؛ در تدریس یکی از کتاب‌هایی که انتخاب کرده بودم در موردهایی زیاد برایم مشکل پیش آمد. تابستان که تهران آمدم موضوع را با یکی از مؤلفان آن کتاب در میان گذاشتم. به دنبال آن، در جلسه‌هایی با شرکت چند نفر از مؤلفان کتاب، آن موردها را مطرح می‌کردم، روی آن‌ها بحث می‌شد و غالباً به جابه‌جایی، حذف و یا اصلاح یک مطلب با یک مسئله از کتاب می‌انجامید. در آخرین جلسه که بحث هم طولانی بود، آقای آذرنوش در پایان جلسه به جدّ و نه به کنایه چنین گفت: «اگرچه باید کتاب تألیف خودمان را درس بدیم، اما ای کاش باز هم کتاب‌های صفاری-قربانی را درس می‌دادم».

تألیف کتاب علمی، به ویژه اگر کتاب درسی باشد، از جمله کارهای ظریفی است که باید با صبر و حوصله و دقت و با بررسی‌های همه‌جانبه و مراجعه مکرر به مأخذهای معتبر و با احاطه کامل به موضوع و با داشتن توانایی اجتهاد در تشخیص صحت آنچه از جای دیگر نقل می‌شود انجام گیرد و گر نه چه بسا اثری حاصل شود بدون اعتبار لازم. مضمونی که سعدی آن را در لباس شعر چنین بیان کرده است:

خاک مشرق شنیده‌ام که کنند  
صد به روزی کنند در مردشت<sup>۱</sup>

به چهل سال کاسه‌ای چینی  
لاجرم قیمتش همی بینی

۱. منظور همان مردشت است. - م.ع.



در نیمه دوم دهه ۱۳۳۰، تعدد کتاب‌های درسی مربوط به هر درس و تشتت آرای دبیران در انتخاب آن‌ها به حدی بود که یک دانش‌آموز نه تنها با تغییر دبیرستان بلکه گاهی با تغییر کلاس در یک دبیرستان ناچار از تهیه کتاب‌هایی دیگر می‌شد. سرانجام تألیف کتاب‌های درسی به انحصار وزارت آموزش و پرورش و چاپ و پخش آن‌ها به انحصار شرکتی از ناشران درآمد. درباره آنچه هم از آن پس در زمینه کتاب‌های درسی پیش آمد. گفتنی‌ها زیاد است و در اینجا مجال آن نیست.

یاد شادروان استاد ابوالقاسم قربانی گرامی باد. نخستین دیدار من از ایشان در شهریور ۱۳۳۳ روی داد. همراه با سایر فارغ‌التحصیلان رشته ریاضی آن سال دانشسرای عالی برای گرفتن کتاب‌هایی به عنوان ایشانتیون نزدش رفتیم. آن موقع ایشان در دانشسرای تهران تدریس می‌کرد. صحبت از کتاب‌های درسی که به میان آمد ایشان را آشفته ساخت؛ در یک کتاب درسی هندسه تازه تألیف، اصل توازی اقلیدس به عنوان قضیه ثابت شده بود. آقای قربانی هم با انتشار نامه‌ای سرگشاده عکس العمل شدید نشان داده بود. ناراحتی‌اش بیشتر از این جهت بود که نام پروفسور فاطمی هم در ردیف مؤلفان آن کتاب به چشم می‌خورد. با این همه، خواست ما را برآورده کرد و به هر یک از ما یک دوره کامل همه تألیف‌هایش را هدیه داد. در بین این کتاب‌ها، نخستین اثر چاپ شده آقای قربانی هم وجود داشت؛ کتابی در زمینه مکانیک با تقریظی نوشته پروفسور فاطمی.

چهار سال پس از آن تاریخ، در کنگره دبیران ریاضی که در تهران برگزار شد. آقای قربانی در این زمینه که یک کتاب درسی باید ابزار پیشرفت علم باشد نه مخرّب آن، سخنرانی کوتاهی داشت و [این] دومین دیدار من از او بود.

بنابر دستخطی از دکتر هشترودی، مبنی بر اقدام برای تأسیس انجمن ریاضی ایران که همراه با دعوت عام در مجله یکان دی ۱۳۴۷ چاپ شد آقای قربانی هم از کسانی بود که دعوت را پذیرفت و در جلسه‌هایی که پیرامون تشکیل انجمن برگزار می‌شد شرکت می‌کرد.

ملاقات دیگری با آقای قربانی در نخستین کنگره ریاضی ایران در شیراز روی داد. در آنجا فرصتی پیش آمد تا همراه با آقای قربانی و چند نفر دیگر به حافظیه و به آرامگاه سعدی برویم. در این آرامگاه به آب‌نمای زیرزمینی آنجا هم رفتیم و در محیط شاعرانه آنجا، آقای قربانی ساعتی را درباره شعر و شاعری سخن گفت و از اشعاری که حفظ داشت بعضی را برای ما بازخواند.

در کنفرانس ریاضی شیراز، آقای قربانی سخنرانی جالبی در معرفی یکی از شاهکارهای غیاث‌الدین جمشید کاشانی ایراد کرد. روش ابداعی کاشانی را برای حل معادله درجه سوم به زبان ریاضیات امروزی به طور مبسوط شرح داد. روشی که پایه روش معروف به روش تکرار به

شمار می‌آید و حق آن است که الگوریتم کاشانی نامیده شود. الگوریتمی که دو‌یست سال پس از کاشانی، ریاضی‌دان آلمانی به نام کونیکس آن را برای حل معادله کپلر به کار برد. استاد قربانی پذیرفت که متن سخنرانی ایشان در مجله یکان چاپ شود و در جریان چاپ این مقاله بود که ملاقات‌هایی مکرر با ایشان را داشتم. در یکی از این ملاقات‌ها، آقای قربانی دوره‌هایی از سه مجله ریاضی چاپ فرانسه را که سال‌ها فراهم آورده بود برای استفاده در مجله یکان به من واگذار کرد.

آقای قربانی چند بار برنده جایزه کتاب سال شناخته شد و هر بار به افتخار ایشان مجلس جشنی برگزار می‌شد. در این جشن‌ها، فرصتی بود که با ایشان و با جمع زیادی از بزرگان اهل علم دیدار باشد و در یکی از آن‌ها بود که برای نخستین بار با استاد فرزانه آقای دکتر حسن صفاری نیز دیدار داشتم. آخرین ملاقات من با استاد قربانی در منزل ایشان بود. برای گفتگو در مورد چاپ مجموعه کتاب‌های تحقیقی‌اش مرا فراخوانده بود. در اتاق کارش مرا پذیرفت. اتاقی متوسط و دور از هیاهوهای کوچه و خیابان، با یک میز تحریر کوچک، قفسه‌ای گردان در کنار میز که در طبقه‌های چهار وجه آن کتاب‌های مرجع دم‌دستی جای داشتند و قفسه‌هایی پر از کتاب دور تا دور اتاق. در یکی از این قفسه‌ها دست‌نوشته‌های جلد شده زندگی‌نامه‌های ریاضی‌دانان دوره اسلامی و در قفسه‌ای دیگر، دست‌نوشته‌های جلد شده مربوط به تاریخ ریاضیات، به طور مرتب کنار هم چیده شده بودند.

در بیشتر کشورهای پیشرفته، بنیادهای خیریه‌ای برای چاپ کتاب‌های علمی و مرجع کم‌فروش اما ارزنده وجود دارد و سرمایه‌هایی کلان وقف آن‌ها شده است. در ایران چنین بنیادهایی پدید نیامده است و ناشران خصوصی هم، اگرچه کارشان چاپ کتاب‌های علمی خوب باشد، آن جرئت و برنامه کار را ندارند که بخش عمده سرمایه خود را یکسره روی چاپ مرتب سری کتاب‌هایی متوقف کنند که به فروش خوب آن‌ها در کوتاه مدت اطمینان زیاد نداشته باشند.

استاد قربانی در مورد چاپ دستاوردهای سال‌ها پژوهش‌هایش با چنین مشکلی دست به گریبان بود. پیشامد ناگوار عمل ناموفق چشم او هم، ضربه‌ای شکننده و جانفرسا بود که گسستگی‌هایی جبران‌ناپذیر را در طرح‌ها و در روند کار او در پی داشت.

احوال فلک جمله پسندیده بدی

گر کار فلک به عدل سنجیده بدی

کی خاطر اهل فضل رنجیده بدی

ور عدل بدی به کارها در گردون

با پوزش از اهل مجلس که خسته‌شان کردم و با تشکر از برگزارکنندگان این همایش که ارج نهادن به یکی از خادمان علم، و در واقع ارج نهادن به علم برنامه کارشان بوده است و با طلب آموزش برای مرحوم ابوالقاسم قربانی. با تشکر